

#### ناگهان شعر



افشین علا

### آن جمعه بشکوه

ای خطبه غرای تو چون آب بر آتش تسکین دل سوته اصحاب بر آتش شد هیمنه خصم در آن جمعه بشکوه چون دودز جمعیت احباب بر آتش یکپار چه در سوز و گداز آمده بودند تاروی تو بیند چو مهتاب بر آتش ای پیر جوان بخت از آهنگ نمازت مانند سپیدی شده محراب بر آتش بر چیر گی ات در سخن، اعدا متحیر چون خبر گی کرک شب تاب بر آتش خنیاگر صهیون نگر از نطق بلیغت افکنده ز کف، آلت و مضراب بر آتش فهماند کلام تو به صیاد جهان خوار ماهی نشود سبید ز قلاب بر آتش از شش جهت افروخت شرر، جانی غاصب زین رو شده بریان، خود قصاب بر آتش ما چون تو اگر سوخته ایم از غم یاران گشتیم بهاور چوز ناب بر آتش تصویر «حسن» شیر عرب، حک شده بر عرش هر گز نتوان سوختن این قاب بر آتش دست از تو نداریم، اگر یا بگذارد بسیار سران از پی ارباب بر آتش فردا چو بسوزند عجب نیست که امروز کرد دنیا بکاخ خود، اعراب بر آتش ای پیر! هوادار توام چون که در این راه بیداری و بس قافله در خواب بر آتش دل کنده ام از راست و چپ یکسر، چون تو بر خندق سلمانی و احزاب بر آتش از بغض تو بر گرده ما دشنه دشنام بسیار زند سفله چو تنداب بر آتش خفاش چه داند ز چه در چرخشم ای دوست گرد تو چو پروانه بی تاب بر آتش از طعن رقیبان به فلاخن، چو خلیلم در باغ گل افتاده ز پر تاب بر آتش بگذار حسودم بزند طعنه که افتاد زین شعر تو تاز و شاداب بر آتش

##### تقدیر رهبر انقلاب از سروده علا

افشین علا پس از انتشار این شعر در صفحه شخصی خود نوشت:
باخبر شدم که حضرت آیت... خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از خواندن شعر اخیرم پیر امون حماسه جمعه نصر، خطاب به این فرزند کوچک خود نوشته اند: «قوی، زیبا و استادانه است. کاش شأن نزولش این حقیر نبودم. به هر حال وظیفه داشتم تشکر کنم.»

از این که امام و مقتدایمان در همه بره ها و بزنگاه ها و با وجود دغدغه های خطر و مشغله های طاق ت سوز، از شعر متعدد این روزگار غافل نیستند و همچنان خود را موظف می دانند بابت اثری که از سر صدق و باخون دل و عرق ریزی روح سروده شده، ابراز لطف و فروتنی کنند، خداوند منار را شاکرم.
بدیهی است این توجها ت پدر ا نه ایشان، خستگی و تلخا کمی ناشی از مشاهده ناآشنایی و بی تفاوتی برخی اصحاب قدرت به ویژه در مدیریت فرهنگی کشور را در کادم دلسوزان عز لت گزیده به شهادی شیرین تبدیل می کند.

## غلط نویسیم

## فارسی/پارسی/پهلوی

«فارسی» را برای زبانی به کار می‌بریم که از هزار و دویست سال پیش در ایران متداول است. «پارسی» را برای زبان دوره ساسانی و «پهلوی» را برای زبان دوره اشکانی به کار می‌برند.

**برگرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن» تألیف استاد حسن انوری**



الهه آرانیان  
culture@khorasannews.com

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چند ماه اخیر رویه تازه‌ای در پیش گرفته و آن اعلام واژه‌های برابرنهاد جدید خود از طریق صداوسیماست. نسرین پرویزی، معاون گروه واژه‌گزینی این نهاد جلوی دوربین می‌آید و در مدت زمانی کوتاه درباره واژه جدید صحبت می‌کند: واژه‌هایی مانند «شکلک» به جای «ایموجی»، «پادپخش» به جای «پادکست»، «به‌آزمایی» به جای «چکاپ» و حالا «گرایه» به جای «ترند» و هرکدام با واکنش کاربران مواجه شده‌اند. این‌که در برخی موارد ساخته‌های فرهنگستان اسباب شوخی و طنز می‌شود، البته مسئله جدیدی نیست و در گذشته هم سابقه داشته است و اصولاً تعدادی از مردم با هر پدیده تازه‌ای شوخی می‌کنند اما این‌که این واژه‌ها بعد از فروکش کردن تب خنده و شوخی، تا چه اندازه می‌توانند در زبان مردم جای خود را باز کنند و پرکاربرد شوند، مسئله‌ای جدی است که هم فرهنگستان و هم دیگر نهاد‌های فرهنگی متولی باید آن را جدی بگیرند.

#### «گرایه» از کجا پیدا شد؟

دو سه روز پیش ویدئویی از معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد که خبر از تصویب واژه «گرایه» به جای «ترند» می‌داد. «ترند» به معنای توجه زیاد مردم به یک موضوع در کوتاه‌مدت است. «ترند شدن»، یعنی در کوتاه‌مدت مسئله یا موضوعی مورد توجه افراد قرار می‌گیرد و بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. واژه «گرایه» از «گرای» بُن «گراییدن» گرفته شده است.

این معادل فارسی در روزهای گذشته با واکنش‌های متفاوت کاربران مواجه شد که بیشتر آن‌ها جنبه طنز داشت. بعضی‌ها هم به دیر ساخته شدن این معادل فارسی انتقاد کرده و گفته بودند کاش پیش از آن‌که واژه «ترند» در زبان مردم جا بیفتد، معادل فارسی آن ساخته می‌شد. در ادامه، به بخشی از این واکنش‌ها اشاره می‌کنیم: «نمی‌شد واژه بهتری بسازید؟»، «همین گرایه رو باید ترندش کنید»، «دقت کنید! کرایه نه ها، گرایه!»



**این روزها فرهنگستان زبان ادب فارسی واژه «گرایه» را به جای «ترند» پیشنهاد داده که با واکنش کاربران مواجه شده‌اند. این‌که در برخی موارد ساخته‌های فرهنگستان اسباب شوخی و طنز می‌شود، البته مسئله جدیدی نیست و در گذشته هم سابقه داشته است**

# سپیدسرایي در داستان های شاعرانه

**نگاهی به آثار ادبی «هان کانگ» به بهانه دریافت جایزه نوبل توسط این نویسنده**



گرفتن از ادبیات و نزدیک شدن به یک نثر نه چندان شاعرانه و تقریباً خشن برایش تمام شود: «به خاطر داشته باشید تنها سوالی که برای ما باقی می ماند، این است که انسانیت چیست؟ آن روز فواره آب نما خشک بود. سربازهای اسلحه به دوش اجساد تازه ای را به سمت دیوار هل می دادند. درحالی که سرهایشان روی زمین کشیده می شد، بعضی از سربازها طوری رفتار می کردند که تأثیر این اعمال را بیشتر نشان دهند....»

از دیگر آثار این نویسنده کره ای می توان به کتاب های «آتش سمندر» و «درس های یونانی» اشاره کرد.



واژه‌های بیگانه را بومی کرده و صرف می‌کنند. البته واژه‌سازی فقط وظیفه فرهنگستان نیست. متخصصان هر رشته‌ای ممکن است خودشان واژه بسازند. مثلاً کسانی که کار فنی می‌کنند، واژه‌های زیادی درست کرده‌اند مانند «پیچ گوشتی». مکانیک‌ها بسیار زیاد واژه ساخته‌اند، مانند «کله گاوی»، «سگ دست»، «هرز گرد»، «سپر»... خیلی از این‌ها قبلاً در زبان نبوده، اما رایج شده‌است.

##### پیامک آری، آگهی نما خیر!

کارشناسان معتقدند گذر زمان مشخص خواهد کرد، کدام واژه در زبان مردم جا خواهد افتاد و کدام واژه فراموش می‌شود. در این باره باید به سر نوشت خوش واژه «پیامک» اشاره کنیم؛ واژه‌ای که در دهه هشتاد به دنبال رواج «SMS» ساخته شد و مردم از آن استقبال کردند اما در مقابل واژه «شدآمد» که در سال ۱۳۸۹ به جای واژه «ترافیک» ساخته شد، در زبان مردم جایی ندارد. همین‌طور در سال‌های اخیر برای واژه «بیلپورد»، معادل «آگهی‌نما» تصویب شد، اما از آن استقبال نشد. این یعنی توجه به گرایش و سلیقه مردم در ساخت واژه مهم است. معمولاً

به اوج خودش می‌رسد. کتاب، حکایت زنی جوان است که تصمیم می‌گیرد لب به گوشت نزند و درگیر ماجراهای عجیب و غریبی در زندگی اش می‌شود. شاعرانگی و نثر ویژه در برخی از صفحات کتاب چنان موج می‌زند که شنونده فراموش می‌کند در حال خواندن یک رمان است.

##### کتاب سپید

کتاب دیگر این نویسنده، داستانی است با عنوان «کتاب سپید» که آن‌هم از زبان و دیالوگ‌های شاعرانه مستثنا نیست و شوریدگی‌های نویسنده در آن مشهود است. «گره‌های قنداق به سپیدی برف دور بدن نوزاد می‌پیچند، موجودی که همین حالا شروع به نفس کشیدن می‌کند، کسی که نمی‌داند کیست، کجاست و چه چیزی درست همین حالا شروع شده است. در مانده‌ترین موجود در میان حیوانات نورسته، حتی از یک جوجه نورسته هم بی‌دفاع‌تر، انسان!»

«کتاب سپید» حکایت

نوزاد تازه متولد شده ای است که تنها دو ساعت عمر می‌کند و بعد می‌میرد، چه چیزی فلسفی‌تر، غمگین‌تر و در عین حال شاعرانه‌تر از این‌که موضوع کتاب یک نویسنده، تنها دو ساعت از زندگی انسانی را روایت کند که نیمه‌ده از دنیا می‌رود؟

## ادب و هنر | ۷

# «گرایه»، ترند این روزهای فرهنگستان زبان و ادب فارسی!

**مروری بر واژه‌های مصوب فرهنگستان در ماه‌های اخیر و واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی به آن‌ها**

**و پاسخ به این‌که چرا با بسیاری از واژه مصوب فرهنگستان شوخی می‌شود؟**